

مقاله پژوهشی

نوگرایی اجتماعی شهروندان و تاثیر آن بر گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده^۱

افسانه فیض‌اللهی^۲ و سید یعقوب موسوی^۳

تاریخ پذیرش: 1402/03/28

تاریخ دریافت: 1401/07/12

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان ساکن منطقه 18 شهر تهران و میزان گرایش آنان در مشارکت به منظور نو سازی بافت فرسوده شهری است. متغیرهای این پژوهش تبیین نوگرایی اجتماعی و تبیین گرایش به مشارکت در نو سازی بافت فرسوده است که از رویکردهای نوگرایانه در حوزه شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری و نظریه مدل قدرت و نردبان ارزشتاین و طبقه‌بندی مشارکت جان ترنر استفاده شده است. با استفاده از روش پیمایش، تکنیک پرسشنامه و نمونه‌گیری خوشه‌ای است و با استفاده از فرمول کوکران 200 نفر از منطقه 18 شهر تهران (محلات شهید رجایی، ولی عصر جنوبی، صادقیه) به عنوان نمونه مورد پژوهش انتخاب شدند در این پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون تی مستقل و آزمون F استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقدار همبستگی بین دو متغیر 10/488 است بدین معنی که ساکنان گرایش لازم به منظور تغییر و پیشرفت را در حد متوسط دارند و همچنین نتایج بدست آمده از تحلیل رگرسیون چند متغیره در این پژوهش گویای آن است که میزان تغییرات متغیر وابسته که توسط شاخص‌های متغیر مستقل موجود در مدل تبیین شده است، معادل 28.0 درصد می‌باشد و همچنین، بر اساس اطلاعات به دست آمده بتاهای متغیر دامنه و ماهیت ارتباطات، 0/037 است و نشان‌دهنده این است متغیر گرایش به توسعه اجتماعی بیشترین اثر را بر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده دارد.

واژگان کلیدی: نوگرایی اجتماعی، مشارکت، بافت فرسوده، محله شهری، منطقه 18.

طبقه‌بندی موضوعی: Z10, Z1, Z15

1. کد DOI مقاله: 10.22051/IJOSED.2023.41953.1021

2. کارشناسی ارشد پژوهش در علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران. ایران (نویسنده مسئول)

Email: a.feyzollahi1371@yahoo.com

3. دانشیار علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران. ایران. Email: a.mousavi91@alzahra.ac.ir

مقدمه و طرح مسأله

بافت‌ها و فضاهای فرسوده یکی از مهمترین مسائل شهرهای بزرگ در جهان تلقی می‌شوند به‌علل مختلف اگرچه هنوز متروک و بلا استفاده نشده‌اند، اما فاقد کارایی مطلوب و مناسب بوده و به صورت بالقوه و با طراحی متناسب می‌توانند نقش مهمی بر تجدید ساختار و ارتفاع کیفیت فضاهای عمومی شهر ایفاء کنند. این فضاها علاوه بر قرارگیری در اطراف و حومه شهرها، بخش‌های بزرگی از بافت‌های درونی و مرکزی شهرها را نیز شامل می‌شوند که این خود ضرورت ساماندهی و رسیدگی هرچه بیشتر و سریعتر به این قبیل فضاها را موجب می‌شود (حبیبی و مقصودی، 1381، 15).

از سوی دیگر، مشارکت مردم در نوسازی بافت فرسوده شهری به ویژه در کشورهای درحال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است. از جمله از این مشکلات می‌توان به بافت فرسوده شهری و معضلات فراوانی که گریبان‌گیر این بافت‌هاست، اشاره کرد. در کشور ما به ویژه در شهرهای مانند تهران بافت فرسوده بسیار وجود دارد (حدود 50٪ عرصه‌های سکونت‌گاهی). سازمان‌های مسئول در حال تهیه طرح‌های احیای بافت‌های فرسوده هستند. شهری با ویژگی‌های سالم، شاد، سبز و... نیاز به شهرداری و ساکنینی دارد که دارای ارتباط و روابط متقابل مستمر و مشارکتی است. پیدایش محله‌های نوساز و تازه شکل گرفته، بخشی از فرآیند شتاب‌ناک توسعه در شهرهاست. صفت فرسودگی به بافتی اطلاق می‌شود که دچار آشکار کاهش کیفیت حیات شهری از جنبه‌های سکونت‌گاهی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیرساختی شده است.

در واقع، انسان در محیطی زندگی می‌کند که بر آن تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد، از پیدایش نخستین سکونت‌گاه‌های انسانی و از زمانی که قبرستان‌ها نخستین سکونت‌گاه‌های شهری محسوب شدند. (ممتاز، 1387، 3) و تا به امروز که درصد بالای شهرنشینی در بیشتر نقاط دنیا به مراتب بیشتر از روستا است زندگی انسان‌ها به محیط طبیعی وابسته بوده است. سطح تکامل و پیشرفت انسانی و مادی گوناگون به نسب‌های گوناگون باعث دخل و تصرف در محیط شده است. بدون شک سطح زندگی کمی و کیفی انسان‌ها هم متأثر از محیط و هم تغییر دهنده محیط است. جورج زیمل جامعه‌شناس آلمانی در پژوهش «کلانشهر و حیات ذهنی» می‌نویسد: «شهر مدرن یک هویت فضایی با



نتایج جامعه شناختی نیست، بلکه هویت جامعه شناختی است که به نحوه فضایی شکل گرفته است.» (باکاک¹، 1387، 24)

نوسازی بافت‌های فرسوده شهری فرآیندی است که در برابر تغییرات عملکردها و نیاز اجتماع، توسط ساکنان آن انجام می‌شود. اما هنگامی که کارایی یک محله شهری کاهش یافته و یا دچار فرسودگی می‌شود، ساکنان دیگر هیچ گرایشی برای نوسازی محل سکونت نخواهد داشت. ساکنین جدید نه تنها به بهبود وضعیت مکان زیستی خود کمکی نمی‌کنند بلکه باعث بدتر شدن وضعیت آن به دلیل نبود حس تعلق به مکان می‌گردند. ساکنین محله برای مطلوب شدن شرایط محله و زندگی‌شان باید مشارکت لازم را داشته باشند. جلب مشارکت اهالی ساکنان در بافت‌های فرسوده در اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی از دیرباز مورد توجه و علاقه دولت‌ها و مجریان این گونه طرح‌ها بوده است. چرا که این امر علاوه بر حفظ و حراست از حقوق شهروندان تمایل آنان به تسریع در اجرای طرح را به شدت افزایش داده و به اجرای طرح کمک می‌کنند. (طباطبائی، 1387، 11)

بافت فرسوده شهری از جمله ساخت و سازهای ناموزن شهری هستند که به دلیل قدمت آنها از یک سو و وجود پدیده‌های مانند مهاجرت، فقر، آلودگی‌های زیست محیطی و برخی دیگر از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان یکی از اساسی‌ترین مشکلات شهری به ویژه، در کلانشهرها درآمده‌اند. بافت‌های فرسوده شهری صرفاً محیط‌های دارای بافت کالبدی نیستند، بلکه این محله‌ها بازتاب عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، فنی و عوامل ارزشی، اعتقادی، مذهبی و نیز روابط نوع انسانی موجود در جامعه و محیط بزرگتر هستند (مروتی، 1390، 11).

وضعیت بافت فرسوده (بلوک‌های فرسوده مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری) منطقه هجده شهر تهران با مساحتی حدود 103 هکتار که 2.7٪ از مساحت منطقه را شامل می‌شود و متشکل از پانزده محله که بیش از 60٪ این مساحت در دو ناحیه 2 و 3 واقع شده‌اند و جمعیتی بالغ بر 50601 نفر، که 14٪ از جمعیت منطقه را شامل می‌شود، با به کارگیری شاخص‌های کالبدی به صورت ترکیبی، بررسی و تحلیل شده‌اند. این منطقه دارای 18 محله می‌باشد که محدوده بافت فرسوده در 15 محله آن قرار می‌گیرد.



این پژوهش با توجه به وضعیت بافت فرسوده شهری در منطقه هجده شهر تهران، تاثیر ارزش‌ها و هنجارهای نوگرایانه اجتماعی و نیز سطح گرایش ساکنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده مسکونی مورد بررسی قرار داده است. ارزش‌های اجتماعی عبارت است از نوع شناخت و تصویر جدید از جهان، عضویت در حلقه‌ها و یا فضاها، مختلف اجتماعی، استقبال از توسعه تکنولوژی‌های نوین، فردگرایی عقلانی، جمع‌گرایی و کاهش اطمینان همگانی در ارتباطات و... با توجه به بحث نوگرایی، یکی از الگوهای کشف شده انسان نوگرا آمادگی پذیرش برای تجربیات نو، داشتن استقلال، اعتقاد به علم، تحرک‌گرایی، توجه به تحصیلات و برنامه‌ریزی برای برنامه‌های طولانی است. در این پژوهش، سهم نوگرایی اجتماعی به عنوان عاملی تشویق‌کننده در مشارکت برای نوسازی بافت فرسوده در نظر گرفته شده است. استدلال این است که گرایش‌ها و ارزش‌های اجتماعی افراد در ابعاد مختلف در سرعت بخشیدن به فرآیند نوسازی بافت‌های فرسوده شهری تاثیرگذار است و اندیشه نو و مدرن می‌تواند در نوع و سطوح مشارکت افراد نیز تاثیرگذار باشد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

رویکرد نوگرایی در شهرسازی

در رویکرد شهرسازی نظریه‌های مداخله مطرح است که ابتدا تعدادی از آن‌ها برشمرده می‌شوند. موارد مطرح شده عبارتند از: منظرسازی، بی‌زمانی بنا، مجموعه‌های تاریخی، کاربری‌های اصول شهرسازی کهن در شهرسازی جدید، تداوم شهرسازی، تعلق بنا به محیط شهری، مردم‌گرا بودن مرمت شهری اولویت زمینه به بافت و ایجاد فضای شهری با قابلیت تطابق با تغییرات آینده برای رسیدن به نتیجه قابل کاربرد در عمل. نظریه مداخله در 4 دسته مطرح می‌شود:

1. مداخله نوگرایانه (تجدد): تاکید بر انقطاع فرهنگی
2. مداخله فرا نوگرایانه: که به صورت تلفیقی است.
3. مداخله فرهنگ گرایانه: تاکید بر زیباشناختی و بالا بردن جذابیت و آرامش شهری
4. مداخله مردم‌گرایانه: مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تهیه برنامه (ناظمی، 1396،



در این پژوهش مداخله نوگرایانه و مردم‌گرایانه مد نظر است. مداخله مردم‌گرایانه متأثر از نظریه‌های شهرسازی مشارکتی در دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی است که هدف آن بالا بردن میزان مشارکت مردم در تغییرات سازمان فضای شهری است. مخاطبان اصلی هرگونه مداخله را مردم و ساکنان محدوده مورد عمل، تشکیل می‌دهند. بنابراین قبل از هرگونه مداخله‌ای باید به نظرات مردم توجه شود و پس از بررسی آن‌ها، مداخله در بافت با همکاری مردم صورت پذیرد. مداخله مردم‌گرایانه، تداوم را در تکامل می‌بیند؛ به سخنی دیگر سر در گذشته و رو به آینده دارد. اینان به درک فضای شهری می‌اندیشند، و نه به خلق آن، بویژه طرح‌های صلب و ثابت. مداخله مردم‌گرایانه بیش از طراحی به برنامه‌ریزی می‌اندیشد. برنامه‌ریزی که مردم نقش اصلی را در ساماندهی شهر، بازی می‌کند (حبیبی و همکاران، 1386، 94). دیدگاه‌های جدید نظری و تجارب متأخر مدیریت شهری، تحقق‌پذیری برنامه‌های مداخله را گرو رویکردهای برنامه‌ریزی شهری مشارکتی می‌دانند. رکن اصلی پروژه شهری نیز مشارکت همه‌جانبه یگان‌های سازنده جامعه شهری (مردم و گروه‌های) است. در ادبیات جدید توسعه نیز با توجه به اهمیت نقش مردم در جامعه از «مردم» به عنوان ثروت واقعی هر جامعه یاد می‌شود (لطیفی، 1386، 14).

اما هدف اصلی مداخله نوگرایانه که متأثر از نظریه‌های شهرسازان قرن نوزدهم میلادی نظیر اوتن، فوریه، ریچاردیسون و کابه؛ ارتقای سطح بهداشت و سلامت، افزایش کارایی و بالا بردن زیبایی در سطح شهر است.

مداخله نوگرایانه برای مواجهه برای حل مسائل و مشکلات و مواجهه با آن، انقطاع فرهنگی را مطرح می‌کنند و نگاهی رو به آینده دارند و اعتقاد بر آن، برای از بین بردن آشفتگی‌ها در فعالیتهای شهری، اصول مهم عملکرد را مطرح می‌نمایند و با منطقه‌بندی فعالیت‌ها براساس چهار کاربری اصلی سکونت، رفت و آمد، اوقات فراغت و کار بدنبال نظم بخشیدن به شهر هستند (ناظمی، 1396، 25). و اندیشمندان مکتب پست مدرن از جمله «چارلز جنکس^۱»، «بوین وراتانسی^۲» «گرگن^۳» و... از سال‌های 1960 تاکنون تلفیقی از مداخله نوگرایانه و فرهنگ‌گرایانه که از افراط و تفریط دو نوع مداخله بکاهد، مطرح

-
1. Charles Jencks
 2. Boyne Varanasi
 - 3 Kant G. Gurgaon



ساختند. برای بهسازی و نوسازی شهری، خط‌مشی اکثریت آنها حفظ تارو پود بافت کهن (تاریخی-فرسوده) در کنار دگرگونی‌های کالبدی فضایی شهر و رشد ارگانیک آن مد نظر قرار می‌دهد. پست مدرنیسم برای بازگشت به مقیاس انسانی، احیای دوباره اجتماعات و اشکال بومی تلاش می‌کند و بر خلاف مدرنیسم به سنت‌های بومی و فرهنگ محلی توجه خاص دارد. (شماعی و پوراحمد، 1383، 183)

رویکرد نوسازی و نوگرایی در ادبیات جامعه‌شناسی شهری

اصطلاح لاتین مدرنیزاسیون در ادبیات فارسی معادل‌هایی چون نوسازی، مدرن شدن، امروزی‌ن کردن، متجدد شدن، نوین‌گری، نوین‌سازی و... پیدا کرده است. این رویکرد بعد از جنگ جهانی دوم، به عنوان رویکردی غالب در ادبیات اجتماعی مطرح شده است. و در نیمه دوم قرن بیستم بر اندیشه و عمل مباحث توسعه تفوق و حاکمیت پیدا کرد. در ابتدا، اقتصاددانان پیشتاز شده و به مدل‌های ساده توسعه که بر مسائلی چون چگونگی به وجود آوردن رشد سریع اقتصادی بود، پرداختند. ولی در مواجهه با پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های جوامع جهان سوم به سرعت متوجه تنگناهای آنها شدند و چنین وضعیتی ضرورت توجه به همکاری‌های بین‌رشته‌ای را فراهم کرد. به همین علت است که در ادبیات علوم اجتماعی به خاطر پیچیدگی و چند بعدی بودن موضوع شاهد تعاریف مختلفی از نوسازی هستیم. گروهی از منظر جامعه‌شناختی به مفهوم نوسازی توجه نموده‌اند و گروهی از منظر اقتصادی، برخی از حیث تکنولوژیکی، برخی از لحاظ روانی و افرادی نیز از جنبه سیاسی این مفهوم را مورد پژوهش قرار داده‌اند، این بدلیل گستردگی مفهومی فرآیند نوسازی است (قاسمی و همکاران، 1389، 43).

در این میان تعریف جامعه‌شناختی و عینی ویلیام کائولی از نوگرایی یعنی روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی (اسطوره‌ای، اخلاقی، عاطفی و...) رشد اندیشه علمی و خردباوری و افزون شدن اعتبار فلسفه نقادانه که همه همراه‌اند با سامان‌یابی تولید، تجارت، شکل‌گیری قوانین مبادله و بتدریج سلطه جامعه مدنی به دولت. (واترز، 1381، 59) کائولی عناصر نوگرایی را در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دسته‌بندی



می‌کند (بشریه، 1380، 68) که به اقتضای پژوهش حاضر به عناصر نوگرایی اجتماعی می‌پردازیم؛

همان‌گونه که زیمل معتقد است عنصر اصلی جریان مدرنیته گسترش آزادی فردی است (کرایب^۱، 1382، 268). وی استدلال می‌کند در جوامع پیشین، انسان اغلب در یک رشته محدودی از حلقه‌های اجتماعی نسبتاً کوچک زندگی می‌کرد. چنین حلقه‌هایی، از گروه‌های خویشاوندی و اصناف گرفته تا شهر و دهکده‌ها، راه‌های گریز فرد را می‌بستند و او را به شدت در قبضه خودشان می‌گرفتند. کل شخصیت فرد در این زندگی گروهی تحلیل رفته بود. اما اصل سازمانی در جهان نوین با اصل سازمانی جوامع پیشین تفاوت بنیادی دارد. تریاندیس^۲ یکی از نظریه‌پردازانی است که در بحث فردگرایی دارای دیدگاه روشنی است. او مفاهیم افقی و عمودی را به فردگرایی می‌افزاید. فردگرایی افقی، نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن بر برابری تأکید می‌شود و فردگرایی عمودی سلسله مراتب در روابط نشان می‌دهد (تریاندیس، 1995، 20). بر این اساس کسانی که در تقسیم‌بندی افقی جای دارند، در مقایسه با کسانی که در تقسیم‌بندی عموی هستند (مانند جامعه روستایی)، به سلسله مراتب اهمیت زیادی نمی‌دهند. در فردگرایی افقی شخص می‌خواهد منحصر به فرد و متمایز از دیگران باشد، اما علاقه‌ای به برجسته شدن ندارد. فردگرایان افقی کار مستقل خود را انجام می‌دهند، اما لازم نمی‌دانند خود را با دیگران مقایسه کنند. بر عکس، در فردگرایی عمودی تشخیص پایگاهی مد نظر است و این کار از طریق رقابت با دیگران انجام می‌شود. این دسته از فردگرایان به مقایسه خود با دیگران اهمیت زیادی می‌دهند و تلاش می‌کنند متمایز، بهتر و برتر از دیگران باشند (تردیانس، 2001، 56).

با توجه به اینکه نوگرایی از حیث اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیک و ... مورد بررسی قرار گرفته است. این بدان خاطر است که نوسازی فرایند گسترده‌ای است که از ابعاد وسیعی از حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها را در بر می‌گیرد و در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانی قابل بررسی است.

در این پژوهش به اقتضای موضوع مورد بررسی، تأکید بر ارزش‌های اجتماعی مفهوم نوسازی است. این بدین معنا است که افراد چه قدر میل به پیشرفت و موفقیت دارند آیا

1. Ian Carib
2. Harry Triantis



آن‌ها آمادگی تغییر را دارند؟ آیا آنها از نوآوری استقبال می‌کنند؟ آیا برایشان نوسازی اجتماعی مهم است یا حفظ هویت سنتی؟

در اینجا می‌توان به ابعاد نوآوری هیگن^۱ اشاره کرد. از نظر او نوآوری دو بعد مختلف دارد؛ یکی، ورود به درک ذهنی جدید و دوم، انعکاس آن درک در عمل و شکل‌گیری رفتار است، هم‌چنین بین شخصیت و ساختار اقتصادی و اجتماعی هر جامعه ارتباط متقابل وجود دارد. هیچ تغییر اجتماعی بدون دگرگونی در شخصیت‌های افراد جامعه به دست نمی‌آید. به باور هیگن شخصیت نوعی در جوامع سنتی شخصیت اقتدار طلب و در جوامع مدرن شخصیت خلاق یا نوآور می‌باشد. فرد خلاق از هر گونه پذیرش رابطه منطقی علت و معلولی تصور عمیق دارد. او فکر می‌کند جهان دارای نظم است؛ هر پدیده زندگی یا هر تجربه بزرگ انسانی، بخشی از یک نظام هستند که عملکرد آن قابل فهم و تفسیر است (عنبری، 1390، 65). فرد خلاق از فرایندهای ناآگاهانه ذهن خود هراسی ندارد بلکه، نتایج آن‌ها در ذهن آگاه آن‌ها ظاهر می‌شود و در خدمت و تقویت خود فرد است (هیگن، 1997، 91). فردی که تصور می‌کند دنیا به ابتکار خلاق او پاسخ می‌دهد دیگر احساس نمی‌کند که از سوی وضعیت‌های معماگونه و مشکل‌زا مورد تهدید است. او در رهایی و دفع اضطراب خویش نیازی به قضاوت‌های دیگران نمی‌بیند، زیرا در مواجهه با این وضعیت‌ها کمتر دچار اضطراب می‌شود، لذا از مشکلات نمی‌ترسد و در امور و تصمیمات مرتبط با زندگی خود همیشه مشارکت و دخالت دارد. علاوه بر ویژگی‌های مذکور، هوش و انرژی نیز در افراد خلاق، تجلی بیشتری دارد. فردی که دنیا را نظامی منظم و هماهنگ می‌یابد از هوش و انرژی خود بیشتر و موثرتر استفاده می‌کند تا بر غلبه بر مشکلات به مقصدش برسد. به قول هیگن «خلاقیت مستلزم دسترسی کامل به فرآیندهای ناآگاهانه شخصی، اعتماد کامل به قضاوت‌های شخصی و مانند اینها نیست، بلکه تنها مستلزم در اختیار داشتن این ویژگی‌ها به میزانی بیشتر از افراد معمولی است» (هیگن، 1961، 91).

رویکرد نوگرایی در بافت فرسوده از منظر جامعه‌شناختی

جامعه‌شناسان در تعریف نوسازی معمولاً به ابعادی چون تفکیک و تمایز اجتماعی نقش‌ها و دگرگونی در کنش‌ها و غالب‌شدن کنش‌های عقلانی و منطقی در بین افراد جامعه توجه دارند. از لحاظ اجتماعی نوسازی جامعه و نهادهای اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که محدودیت‌های گذشته از میان برداشته شود. افراد زمانی متجدد شدند که قید و بندهای فکری از طریق آموزش و پرورش، سواد و رسانه‌های جمعی از بین رفت و این خود باعث شد که افراد به گونه‌ای دیگر به جهان بنگرند و به اصطلاح آگاهانه انتخاب کنند (گلدروپ^۱، 1370، 37). مایرون وینر معتقد است که در خصوص نوسازی جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان اجتماعی در درجه اول به جریان متنوع و متمایز شدن که از خصوصیات جوامع جدید است، علاقه دارند. آنان درباره پدید آمدن ساخت‌های نو برای عهده‌دار شدن وظایف جدید و یا بر عهده گرفتن وظایفی که قبلاً ساخت‌های دیگری انجام می‌دادند تحقیق می‌کنند (وینر^۲، 1990، 1). در نظر ویلبرت مور مفهوم نوسازی «بر دگرگونی کامل جامعه سنتی یا ماقبل مدرن به جامعه مدرن، با انواع تکنولوژی و سازمان اجتماعی مربوط به آن که از ویژگی‌های یک اقتصاد پیشرفته و ثروتمند و از لحاظ سیاسی باثبات است دلالت دارد» (مور^۳، 1963، 89). سریل‌یک نوسازی را فرایندی تاریخی می‌بیند که طی آن به سرعت نهادها کارکردهای متنوع و متغیری را به واسطه افزایش بی سابقه شناخت انسان و کنترل بر نیروهای طبیعت که همراه با انقلاب علمی است می‌پذیرند (ازکیا، 1390، 49). روانشناسان اجتماعی و علمای علوم تربیتی و جامعه‌شناسانی که در تحلیل‌های خود واحدهای پژوهش خود را در سطح خرد و فردگرایانه (تنگ دامنه) انتخاب می‌کنند، در بحث از نوسازی و ارائه تعریف از آن معمولاً بر ویژگی‌های روانی و فردی افراد جامعه تاکید می‌کنند و از نوسازی انسانی و روانی سخن می‌گویند. اینها معتقدند که نوسازی روانی و فردی شرط اولیه تحقق نوسازی در سطوح اجتماعی است. اساساً نوسازی روانی مفهومی است که به فرآیندهای تغییر در سطوح ارزش‌ها، سبک‌های شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و غیره اطلاق

1. J. a Gumdrop
2. Philip P. Wiener
3. Moor Zidek



می‌شود (عزیزی، 1374، 13). طرفداران این دیدگاه عناصری چون خردورزی و تعقل‌گرایی، نظم داشتن، سازمان داشتن، مشارکت، تقدیرگرا نبودن، محاسبه‌گر بودن و عناصر دیگر را به عنوان خمیر مایه‌های اولیه جریان نوسازی بر می‌شمارند. در قالب این دیدگاه کارهای تجربی زیادی هم صورت گرفته است. در این زمینه می‌توان از کارهای تجربی الکس اینکلس^۱ و دیوید اسمیت^۲، کار دانیل لرنر^۳ تحت عنوان گذار از جامعه سنتی، کار لئونارد دوب^۴، اورت راجرز و ویلیام اوجینو^۵ نام برد. از لحاظ تجربی و روش‌شناختی می‌توان گفت متغیرهای مستقل مورد نظر این نظریه در ارتباط با متغیر وابسته، یعنی میل به نوسازی در سطوح جمعی و فردی، عبارتند از:

- میزان همدلی و اعتماد به یکدیگر
- میل به پیشرفت و موفقیت
- میزان و درجه آینده‌گرایی در مقایسه با حال‌گرایی و به خصوص گذشته‌گرایی
- پذیرش خطر یا ریسک‌پذیری
- فعال بودن در مقابل انفعال‌گرایی و تعهد نسبت به کار و عمل
- میزان تقدیرگرایی و عدم تقدیرگرایی
- استقلال فردی و عدم وابستگی به دیگران به خصوص نزدیکان
- تفسیر و درک فرد از تغییر و تحول
- میزان حساس‌گری فرد
- خوش‌بینی و بدبینی
- تجربه‌گرایی
- نظم و وجدان کاری
- توجه به ابتکار و خلاقیت و کارهای یدی
- احساس توانمندی کردن

1 . Alex Ankles
 2 . David Smith
 3 . Daniel Lerner
 4 . Leonard Dube
 5 . Everett Rogers & William Aguano



نظریه‌پردازان این حوزه برخلاف حوزه نظریه‌های نوسازی اجتماعی، واحد تحلیل و پژوهش خود را در سطوح میانی و عمدتاً فردی قرار داده‌اند. به عبارت دیگر واحد تحلیل آن‌ها نظام‌های شخصیتی افراد می‌باشد. نظریه‌پردازان مذکور نقطه شروع نوسازی را در نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌بینند و معتقدند که با تحقق نوسازی و نوشدن انسان سایر جنبه‌های نوسازی نیز ظهور پیدا می‌کند. پس لازم است که کنش‌ها و رفتارهای فردی و بین فردی در سطوح خرد و میانی مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

اورت هیگن^۱ از جمله محققانی است که تحولات انواع جوامع سنتی و مدرن را برحسب ساختار شخصیتی افراد آن جوامع تبیین کرده است. وی معتقد است که دگرگونی در الگوهای جامعه پذیری دوران کودکی به دگرگونی در انواع شخصیت و سپس، رفتار اجتماعی افراد منجر می‌شود که در نتیجه بر دگرگونی اجتماعی تاثیر می‌گذارد. هیگن بیشتر به خصایصی توجه کرده است که در مرحله گذار از جامعه سنتی به مدرن، در جوامع پدیدار می‌شود. او مهم‌ترین این خصایص را نوآوری و خلاقیت می‌داند. به زعم وی، نوآوری «وارد شدن به درک ذهنی و معرفتی جدید است که خود را در دنیای خارج از ذهن فرد متجلی می‌سازد» (هیگن، 1967، 30). هیگن با بررسی نقش شناختها، ارزشها و نیازهای انسانی، استدلال می‌کند که یک شخصیت خلاق و نوآور پدیده‌های جهان را در نظامی شکل یافته و منسجم می‌بیند، بنابراین، درصدد بر می‌آید ارزشمندی و اهمیت خود را برای محیط و دنیایش به اثبات رساند. چنین شخصیتی از میزان بالای انگیزه همکاری و کمک برخوردار است، به استقلال، پیشرفت و نظم گرایش زیادی دارد و سرانجام، به توانایی خود برای درک و کنترل برخی پدیده‌های خارجی باور دارد.

هیگن، از مجموعه بحث‌های خود، نتیجه‌گیری می‌کند که لازمه توسعه اجتماعی این است که افراد ویژگی‌های یک شخصیت خلاق را داشته باشند. همدلی، انگیزه بالای پیشرفت، انگیزه نیاز به استقلال و نظم، انگیزه کمک و همکاری با هم‌نوعان و انگیزه مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم‌گیری‌ها و امور مرتبط با زندگی خود از صفات فرد خلاق است. نظریه هیگن در ارتباط با شخصیت خلاق در زمینه نوسازی شبیه نظریه لرنر می‌باشد. لرنر از جمله محققانی است که عمده مطالعات خود را درباره بررسی شرایط حاکم بر فرایندهای اجتماعی و تغییر از جهان سنتی به مدرن و توسعه مشارکتی انجام داده است.



اندیشه لرنر در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی قرار می‌گیرد و متکی بر این ایده است که به واسطه و نشر عناصر فرهنگی کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم جریان نوسازی و تجدد به وقوع می‌پیوندد. به نظر لرنر ورود عناصر و مکانیسم‌های که حاصل نوسازی هستند در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انس آنها برای پذیرش عناصر جدید تجدد و مشارکت اجتماعی آنها تاثیرگذار هستند. به نظر لرنر مهم‌ترین عناصر و متغیرهایی که در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی آنها برای نوشتن موثرند عبارتند از؛ بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی. به باور لرنر در معرض قرار گرفتن افراد با این عناصر، باعث می‌شود نگرش‌ها و باورهای مردم تغییر کند و زمینه‌های تحرک روانی و ذهنی در آنها شروع به رشد و نمو کند. او بر مبنای حالات روانی و نگرش‌های انسان‌ها نسبت به محیط اجتماعی و عناصر آنها را به سه دسته؛ نوگرا، در حال تحول و سنتی تقسیم می‌کند. وی با طرح مفهوم همدلی^۱ و شخصیت انتقالی^۲ به معنی اینکه شخص این توانایی را در خود ببیند که خود را در جای دیگری بگذارد، در صورت شناسایی ابعاد روانی و آمادگی ذهنی افراد در پذیرش تجدد و نوآوری است (ازکیا، 1388، ص 109). در مجموع، لرنر به ابعاد روانی نوسازی توجه دارد و بر عوامل فردی و درونی در هر جامعه تاکید می‌کند و معتقد است که عناصری باید از بیرون وارد جامعه سنتی شوند تا زمینه حرکت را به سوی نوسازی فراهم کنند.

در تعریف انسان نو اولین عنصر، آمادگی او برای تجربیات تازه و توانایی او برای تغییر است. بنابراین، سخن بر سر یک حالت ذهنی، یک وضعیت روانی، یک آمادگی درونی است. دومین معیار در این مجموعه بهم پیوسته ما را به زمینه عقاید می‌کشاند. انسانی را نو می‌شناسیم که نه تنها درباره موضوعات و مسائل موجود در محیط بلافصل خود، بلکه درباره مسائل و موضوعات خارج از این محیط نیز عقایدی داشته باشد. به باور اسمیت انسان مدرن آگاهی بیشتری از تنوع و ایستارها و عقاید در اطراف خود دارد. و خود را اسیر این اعتقاد نمی‌سازد که همه افکار و معتقدات مشابهی دارند، و این افکار و معتقدات مشابه افکار و عقاید اوست. وی بر این باور است که ذهن انسان مدرن بیشتر متوجه زمان حال و آینده است تا گذشته و در انجام امور و کار و تصمیم‌گیرها دقیق و منظم می‌باشد. اسمیت معتقد

1 . Empathy

2. Transitional personality



است این ویژگی‌ها، ویژگی‌های شخص است و این خصوصیات ممکن است انعکاسی از خصوصیات فرهنگی باشند (اینکلس^۱، 1980، 320). انسان مدرن گرایش به برنامه‌ریزی و سازمان دادن امور دارد و به آن به عنوان نوعی راه و رسم و اداره زندگانی اعتقاد دارد. یکی از معیارهای اساسی در تعریف انسان مدرن بحث کارآمدی است. چنین انسانی معتقد است به جای اینکه تحت سلطه محیط و قضا و قدر باشد، می‌تواند بر محیط و قضا و قدر مسلط شود. برای مثال می‌توان از کسی که معتقد به کارآمدی است، سؤال شود "بالاخره روزی شما می‌توانید بافت‌های فرسوده‌تان را نوسازی کنید؟" کسی که کارآمدتر است حتی اگر در حال حاضر توانایی انجام این کار را نداشته باشد، پاسخ مثبت خواهد داد. چنین فردی به قابل محاسبه بودن جهان خود اعتقاد دارد. و بر این باور است که به مردم و موسساتی که در اطراف او قرار دارند، می‌توان اعتماد داشت که از عهده تعهدات و مسئولیت‌های خود برآیند. او هرگز این مطلب را نمی‌پذیرد که همه چیز بسته به تقدیر و یا هوی و هوس‌های طبایع و خصایص آدمیان است (ازکیا، 1381، 112). در نهایت می‌توان نتیجه گرفت نوسازی را می‌توان تحت سه عنوان عمده خلاصه کرد: این که آن‌ها شهروندان آگاه و فعالی باشند؛ احساس کارایی شخصی در آن‌ها محسوس باشد؛ در روابط خود با مراجع سنتی قدرت کاملاً مستقل و بدون دخالت دادن اراده دیگران عمل کنند.

مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

مشارکت به عنوان واقعیتی اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد، فرآیندی است که با گذشته زمان دگرگون شده است. ایده مشارکت در مفهوم خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می‌گیرد که خود دارای سابقه دیرینه‌ای است. در دوره جدید با توجه به نقشی که بر عاملیت انسانی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی قائل می‌شوند، مشارکت در اشکال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی روانی مورد توجه سیاست‌گذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. یکی از مراکزی که به عنوان بستر و زمینه‌ساز رفتار مشارکتی شناخته می‌شود، شهر و زندگی شهری است. (موسوی، 1385، 75)



مشارکت فعال ساکنان در برنامه‌های شهری عیاری برای سنجش دموکراسی در یک منطقه است. برخی دیدگاه نوین در مورد احیای مجدد شهرها مانند شهرسازی نوین، مشارکت را به عنوان هدف اصلی مورد توجه قرار داده‌اند.

جان ترنر^۱ از متخصصان و کارشناسان سازمان ملل متحد در امور مشارکت‌های مردمی، با کارهای تحقیقاتی میدانی وسیع و نظریه‌پردازی‌های عمیق خود، انواع مشارکت را به صورت علمی و اصولی تقسیم‌بندی کرده نظریه‌های مربوط به آن را پیش از پیش قابل فهم گردانیده است. تحقیقات ترنر و دیگران نشان می‌دهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آنها، نیز از دست می‌رود. جان ترنر مشارکت را در میزان نقش دخالت «دولت» و «مردم» در مدیریت جامعه تعریف می‌کند. همچنین مدیریت را به دو اقدام اساسی تقسیم می‌کند و آن «فراهم کردن» و «تصمیم‌گرفتن» است و معتقد هست که هرکسی که منابع و امکانات را فراهم می‌کند، به خود حق می‌دهد که در تصمیم‌گیری دخالت کند، اما در جوامع گوناگون رابطه بین دولت و مردم براساس فراهم کردن و تصمیم‌گرفتن تعیین می‌شود.

مدل قدرت و نردبان ارنشتاین

و در مدل قدرت و نردبان ارنشتاین^۲، مشارکت مردمی امری تحمیلی نیست که از بالا به پایین صورت می‌گیرد، بلکه باید شرایطی فراهم شود که مردم با ارتباط آگاهانه و روشن اما در یک چارچوب قانونمند در جریان شکل‌گیری پروژه حضور یابند (توسلی، 1379؛ 60). نحوه دخالت دادن و میزان استفاده از مشارکت مردم در جوامع مختلف بسته به زمینه‌های اجتماعی، قانونی و فرهنگی متفاوت می‌باشند، که شری ارنشتاین در سال 1969 با دسته‌بندی به نام نردبان مشارکت شهروندی ارائه نموده است. مشارکت تا کامل‌ترین نوع مشارکت تداوم دارد. بر این اساس، می‌توان انواع رویکردهای دخالت مردم در پروژه‌های شهری بازشناسی نمود:

1. Michael Turner
2. Arnstein Arneberg



- **محرومیت از مشارکت:** این مشارکت در واقع مشارکت محسوب نمی‌شود. بلکه ادعای داشتن مشارکت است. نیت اصلی، نه تامین منافع مردم، بلکه تامین منافع کارفرما است. علت اصلی توسل به مشارکت، کسب مشروعیت برای طرح و کاهش مقاومت مردم در مقابل آن و در نتیجه، سهولت اجرای طرح است.
- **مشارکت جزئی:** نیت اصلی در این نوع مشارکت تامین منافع مردم تا جایی است که با منافع کارفرمایان و دولت تضاد پیدا نکند. مردم حق اظهار نظر و مخالفت دارند، اما نمی‌توانند بر اجرای نظراتشان نظارت داشته باشند و اعمال خواسته‌های خود را پیگیری نمایند. مشارکت ابزاری برای بهبود کیفیت طرح‌ها قلمداد می‌شود. جریان اطلاعات از پایین به بالا بوده و از مشارکت مردم در تامین اعتبار مالی طرح‌ها استفاده می‌شود.
- **قدرت شهروندی:** نیت اصلی، تامین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است. مشارکت علاوه بر آنکه ابزاری برای بهبود کیفیت طرح‌ها قلمداد می‌شود، خود به عنوان هدفی در جهت رشد فکری، اجتماعی و مدنی شهروندان است. شهروندان در تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری مشارکت نموده، علاوه بر آن حق اظهار نظر، اعتراض و مخالفت با طرح، همچنین توانایی نظارت بر اجرای خواسته‌هایشان را نیز دارند (سجادی و همکاران، 1390).

مدل قدرت و نردبان ارنشتاین بدین معناست که مشارکت شهروندی توزیع مجدد قدرت برای توانمندسازی شهروندانی است که از فرایندهای اقتصادی و سیاسی حذف شده‌اند تا به صورت عامدانه در آینده سیاسی شهر قرار داده شوند. مشارکت شهروندی استراتژی است که از طریق آن کسانی که در جریان قدرت به نحوی حضور نداشته‌اند، بتوانند در برنامه‌های مختلف مانند؛ سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تخصیص مالیات‌ها، برنامه‌های عملیاتی و منافع حاصل از قراردادها و حامیان قرار داده شوند (شریفیان ثانی، 1380، 6).

گام نخستین در احیای بافت قدیم شهرها را باید در اروپایی غربی، به ویژه در کشورهای انگلستان و فرانسه به دلیل آغاز انقلاب صنعتی در آنها (دوره 1760-1830) و گسترش شهرنشینی پس از آن جستجو کرد که به سابقه زیاد شهرها در این گونه کشورها، نسبت به کشورهای دیگر منجر شد. در واقع، جنبش احیای مرکز شهری بیش از 150 سال در این کشورها سابقه دارد (ابراهیم‌زاده، 1391، 218).

تاکنون محققان زیاد در ایران و جهان پیرامون مشارکت اجتماعی و تأثیرات آن بر بهسازی و ساماندهی بافت فرسوده شهری مطالعاتی داشته‌اند (جباری، 1376؛ علوی تبار، 1380؛ شریفیان ثانی، 1380؛ هادیان و دانشپور، 1383؛ سجادی و همکاران، 1390؛ رضایی، 1387؛ میرقوام، 1388؛ مروتی، 1390). از میان طرح‌های انجام شده در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پژوهش رضایی (1387) با عنوان «بررسی انسان‌شناختی موانع فرهنگی و اجتماعی نوسازی مشارکتی بافت فرسوده (پژوهش موردی محله اتابک)» را می‌توان جزء معدود کارهایی دانست که از منظر اجتماعی به نوسازی بافت فرسوده پرداخته است. وی با استفاده از روش‌های کیفی ژرفانگر به سئوالاتی از قبیل؛ چرا ساکنان با اجرای طرح نوسازی مشارکتی در محله‌شان مخالف هستند و آیا این مخالفت ریشه در فرهنگ و باورهای ساکنان دارد، یا با نحوه اجرایی پروژه مرتبط است، به راهکارهای اجرایی برای انجام بهتر و کم هزینه‌تر چنین پروژه‌هایی پرداخته است.

میرزا قوام (1389) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل اجتماعی تداوم ناپایداری (کالبدی) در بافت‌های فرسوده شهری»، در محله خزانة بخارایی، رابطه معنی‌داری میان سطح درآمد و میزان گرایش به نوسازی به دست نیافت بلکه، به رابطه معنی‌داری میان شبکه ارتباطات محلی و گرایش به نوسازی پی برد که حاکی از رویکرد محله‌گرایی در توسعه شهری است. وی اذعان دارد یکی از راه‌های بسترسازی مشارکت‌های مردمی در طرح‌های نوسازی تقویت شبکه ارتباطات در سطح محله‌های بافت‌های فرسوده می‌باشد و ارتقای سطح خدمات محله‌ای در راستای تشویق و محرک ساکنان برای نوسازی بسیار تأثیرگذار می‌باشد.

پژوهش جباری (1376) با عنوان «نگرش جامعه‌شناختی به جابه‌جایی مردم در بهسازی و نوسازی بافت‌های شهری» نشان داده است گسستن پیوندهای خانوادگی و همسایگی، از هم گسیختن ساختارهای معین قدرت محله‌ای (مدیریت محله)، اثرات احتمالی بر اشتغال و وضعیت مالی، گسستن الگوهای زندگی مرتبط با مسکن، اثرات روانشناختی به جهت بر هم خوردن هویت مکانی و فضایی و احتمال شکل‌گیری تحرک اجتماعی نزولی خانواده‌ها، از پیامدهای اجتماعی جابجایی مردم در طرح‌های بهسازی و نوسازی است.



هادیان و دانشپور (1383) در یک پژوهش با عنوان «نوسازی بافت فرسوده شهری و مشارکت شهروندان» ضمن بیان تعریف مشخصی از مشارکت شهروندان، ضرورت‌ها و منافع و نیز معایب مشارکت، به ارائه راهبردهای کلی جهت تقویت نقش مشارکت شهروندان در طرح‌های نوسازی بافت فرسوده شهری پرداخته‌اند.

مروتی (1390) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش ساکنین بافت‌های فرسوده به نوسازی» محله امامزاده عبدالله تهران، رابطه عواملی چون میزان وضعیت اعتماد به همسایگان، همکاری ساکنین در امور جمعی، تعلق خاطر به محله، گرایش به زندگی آپارتمان نشینی را بررسی و اطلاع از وجود ضمانت‌های قانونی در طرح نوسازی و نیز، چگونگی رابطه این‌ها با میزان گرایش ساکنین بافت‌های فرسوده از نقطه نظر ساکنان محدوده‌های بافت فرسوده، بازاریان و خریداران آن ارزیابی نموده است.

سؤال اصلی

آیا میان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنان در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد؟

سئوالات فرعی

1. آیا گرایش‌ها و ارزش‌های اجتماعی افراد در ابعاد مختلف منجر به فرآیند نوسازی بافت‌های فرسوده شهری می‌شود؟
2. آیا نوگرایی اجتماعی می‌تواند عاملی برای تشویق شهروندان برای مشارکت بیشتر در نوسازی شهری باشد؟

هدف اصلی

پژوهش رابطه بین میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنها در مشارکت برای نوسازی بافت‌های فرسوده.

اهداف جزئی



1. بررسی پیرامون رابطه بین میزان ارتباطات اجتماعی و گرایش به میزان مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده است.
2. بررسی پیرامون رابطه بین میزان توسعه اجتماعی و گرایش به میزان مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده است.
3. بررسی پیرامون رابطه بین میزان نوسازی و گرایش به میزان مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده است.

فرضیه‌های پژوهش

1. بین میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد.
2. بین میزان گرایش به ارتباطات اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد.
3. بین میزان گرایش به توسعه اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد.
4. بین میزان گرایش به نوسازی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر را از لحاظ دسته‌بندی تحقیقات برحسب نحوه گردآوری داده‌ها، می‌توان پیمایشی - توصیفی و براساس دسته‌بندی تحقیقات برحسب هدف، تحقیق کاربردی دانست. محدوده زمانی پژوهش از ابتدای آذر 1396 تا پایان دی سال 1397 ادامه داشته و داده‌های مورد نیاز این پژوهش، در این بازه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان زنان و مردان بالاتر از 18 سال ساکن در محلات شهید رجائی، صادقیه و ولیعصر جنوبی - منطقه 18 شهرداری تهران، معادل 76/638 نفر در سال 97 - 1396 بوده است.



به منظور انتخاب و تعیین حجم نمونه لازم برای پژوهش، ابتدا با استفاده از سرشماری نفوس و مسکن سال 1390 تعداد ساکنین بالای 18 سال شهر تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مشخص شد. بر این اساس، سه خیابان دارای بافت فرسوده محله رجائی شامل؛ خیابان ولدخانی، نامداری و قلعه اسماعیل آباد که هر کدام دارای 10 بلوک بافت فرسوده هستند، انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با تعداد 200 نفر پیش‌بینی شده است.

پرسشنامه پژوهش حاضر از نوع محقق ساخته است که برای محاسبه اعتبار سنج‌ها و متغیرهای مورد نظر از اعتبار صوری (مشورت و نظرخواهی از اساتید) و اعتبار محتوا استفاده شد. برای پایایی پرسشنامه جدا از انجام pre - test بر روی 30 پرسشنامه، با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ ضرایب آلفای متغیر نوگرایی اجتماعی، 0/83؛ مشارکت رسمی، 0/75؛ مشارکت غیر رسمی، 0/76؛ سطح مشارکت و اجزای مشارکت به ترتیب 0/74 و 0/70 بدین شرح می‌باشد.

در این پژوهش از داده‌های کمی مقطعی استفاده شده است. اطلاعاتی که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است، به تفکیک برای هر سؤال استخراج، طبقه‌بندی و پس از کدگذاری و ورود اطلاعات به رایانه، به وسیله نرم‌افزار SPSS پردازش شده است. برای بررسی فرضیه با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون F، ضریب رگرسیونی چند متغییره و تحلیل مسیر برای وجود یا عدم وجود رابطه معنی‌دار استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول 1 ارائه شده است.

از مجموع 200 پرسشنامه گردآوری شده، ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان نشان از آن دارد که بازه سن پاسخگویان حدفاصل بین 18 تا 65 سال می‌باشد. گروه سنی 25-30 دارای بیشترین فراوانی بودند. 50 درصد از پاسخگویان زن و 50 درصد از آنها مرد بودند. بالاترین فراوانی در خصوص میزان تحصیلات به ترتیب کارشناسی با 35/0 درصد و دکترا و بالاتر با 9/0 درصد دارای کمترین فراوانی هستند. درآمد ماهیانه پاسخگویان از "درآمدی



ندارد" تا "بالای 4میلیون" در نوسان است و "درآمدی ندارد" با 31/0 درصد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است و درنهایت، افرادی که بالای 4میلیون تومان درآمد دارند، دارای کمترین میزان درآمد هستند. در این بین همچنین، از وضعیت اشتغال افراد سؤال شده بود که 57/0 درصد از افراد پاسخ‌دهنده "شاغل" بودند و 16/5 درصد "خانه‌دار"، 13/5 درصد "دانشجو"، 10/0 درصد "جویای کار" و 3/0 درصد "بازنشسته" بودند. همچنین، یکی از سؤالات پرسشنامه، پرسش از وضعیت مالکیت محل سکونت افراد بود که به ترتیب 61/0 درصد از افراد مالک محل سکونت خود بودند و 34/5 درصد از افراد در خانه‌های استجاری سکونت داشتند و درنهایت، 4/0 درصد از افراد پاسخ‌دهنده در خانه‌های غیر از منزل شخصی و اجاره‌ای سکونت داشتند.

جدول 1. یافته‌های توصیفی براساس (جنسیت، سن، مدت سکونت، وضعیت تاهل، نوع مالکیت، درآمد، وضعیت اشتغال و ...)

مرد					زن					جنسیت	
50					50					درصد فراوانی	
- 65	60	- 55	- 50	45	- 40	- 35	- 30	- 25	- 20	گروه‌های سنی	
60	55	50	45	40	35	30	25	20	15		
0/5	3/0	1/5	3/5	8/5	19	19	23	15/5	6/5	درصد فراوانی	
-60	40-50		40-30		20-30		10-20		-10	مدت سکونت در محله	
50	2		9/5		17/5		28/5		1		
0/5	2		9/5		17/5		28/5		42	درصد فراوانی	
همسر از دست داده			مطلقه		متاهل		مجرد			وضعیت تاهل	
1/0			0/5		38/5		60			درصد فراوانی	
دکت	فوق لیسانس		لیسانس		فوق دیپلم		دیپلم		ابتدایی		وضعیت تحصیلات
ری و بالاتر	8/5		35		13		32/5		10/5		درصد فراوانی
0/5	8/5		35		13		32/5		10/5		
سایر موارد			استیجاری			مالک			نوع مالکیت منزل		

4/5		34/5		61		درصد فراوانی
آزاد	بازنشسته	خانه دار	دانشجو	جویای کار	شاغل	وضعیت اشتغال
10/0	3/0	16/5	13/5	10/5	47/0	درصد فراوانی
بالاتر از 4	3 تا 4	بین 3 تا 4	بین 1 تا 2	زیر یک	درآمد ندارد	درآمد ماهانه (میلیون)
4/0	7/0	20	23/5	14/5	31/0	درصد فراوانی

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های استنباطی

تحلیل رابطه میزان گرایش به نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
 در این پژوهش میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده با نوگرایی اجتماعی شهروندان مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول 2. ضریب همبستگی بین میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در بازسازی بافت فرسوده

نوگرایی اجتماعی شهروندان	میزان گرایش به مشارکت در بازسازی بافت فرسوده	ضریب همبستگی	نوگرایی اجتماعی شهروندان
1	0/488	سطح معنی‌داری	
	/000	ضریب همبستگی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
0/488	1	سطح معنی‌داری	
	/000		

** در سطح کمتر از 0/05 معنی‌دار است.

منبع: یافته‌های پژوهش



یافته‌های به دست آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون جدول 2، نشان می‌دهد مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و نوگرایی اجتماعی شهروندان 0/488 است و معنی‌داری آزمون همبستگی برابر با 0/000 و کمتر از 0/05 می‌باشد ($p < 0.05$). بنابراین، بین میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و نوگرایی اجتماعی شهروندان رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه، فرض صفر (فرض استقلال دو متغیر) رد می‌شود. به عبارت دیگر، هرچه نوگرایی اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده بیشتر است.

تحلیل رابطه میزان گرایش به نوسازی اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

یافته‌های به دست آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و نوسازی اجتماعی 0/266 است و می‌توان با احتمال 95 درصد فرضیه را تایید کرد. با توجه به مثبت بودن رابطه دو متغیر فوق می‌توان گفت هرچه نوسازی اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده بیشتر است.

جدول 3. ضریب همبستگی بین میزان نوسازی اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

نوسازی اجتماعی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده		
۱	۰/۲۶۶**	ضریب همبستگی	نوسازی اجتماعی
	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۰/۲۶۶**	۱	ضریب همبستگی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
۰/۰۰۰		سطح معنی‌داری	

** در سطح کمتر از 0/05 معنی‌دار است

منبع: یافته‌های پژوهش



تحلیل رابطه میزان گرایش به توسعه اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

نتایج آزمون آماری جدول 4، گویای آن است که بین میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده با توسعه اجتماعی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد و شدت این رابطه طبق آزمون پیرسون $0/437$ است. بنابراین با احتمال 95 درصد می توان گفت بین میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و توسعه اجتماعی رابطه مستقیم و مثبت معنی دار وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه توسعه اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده بیشتر است.

جدول 4. ضریب همبستگی بین میزان توسعه اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

توسعه اجتماعی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده	ضریب همبستگی	توسعه اجتماعی
۱	$0/437^{**}$	سطح معنی داری	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
	$0/000$	ضریب همبستگی	
$0/437^{**}$	۱	سطح معنی داری	
$0/000$			

** در سطح کمتر از $0/05$ معنی دار است.

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل رابطه دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

در این پژوهش گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده با دامنه و ماهیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.



جدول 5. ضریب همبستگی بین دامنه و ماهیت اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

دامنه و ماهیت اجتماعی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده		
۱	۰/۳۹۱**	ضریب همبستگی	دامنه و ماهیت اجتماعی
	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۰/۳۹۱**	۱	ضریب همبستگی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
۰/۰۰۰		سطح معنی‌داری	

** در سطح کمتر از 0/05 معنی‌دار است.

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های به دست آمده از جدول 5 و آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد شدت همبستگی بین دو متغیر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و دامنه و ماهیت اجتماعی 0/391 است. بنابراین، می‌توان یا 95 درصد احتمال بیان کرد رابطه بین میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و دامنه و ماهیت اجتماعی مثبت و معنی‌دار است به عبارت دیگر، هرچه دامنه و ماهیت اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده بیشتر است.

آزمون رگرسیون چند متغیره

دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی، گرایش به توسعه اجتماعی، گرایش به نوسازی اجتماعی تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (گرایش شهروندان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده) در جدول 6 خلاصه شده است.

جدول 6. خلاصه مدل

سطح معنی‌داری	F	خطای استاندارد برآورد	R ² adj ضریب تعیین تعدیل شده	R ² ضریب تعیین	ضریب رگرسیون چندگانه
0/000	12/513	0/515	0/258	0/280	0/529



منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ضریب همبستگی چند گانه $0/529$ است. یعنی بین متغیرها 50 درصد همبستگی وجود دارد. ضریب تعیین برابر با $0/280$ گزارش شده است. ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با $0/258$ بدست آمد؛ این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته اند 28 درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول 6 ، مقدار آزمون F در سطح خطای $0/05$ معنی‌دار است، معادله رگرسیونی خطای برآورد $0/515$ را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی‌داری رابطه حاصل شده از آزمون F (مقدار آماره F برابر $12/513$ است) نیز می‌توان این گونه قضاوت نمود که حضور حداقل یکی از متغیرهای مربوطه در معادله معنی‌دار است.

بنابر نتایج جدول 7 ، متغیرهای وارد شده به معادله (دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی، گرایش به توسعه اجتماعی، گرایش به نوسازی اجتماعی) رگرسیون رابطه معنی‌داری در معادله یافتند که تأثیر مستقیم بر میزان گرایش شهروندان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده دارند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از رگرسیون چند متغیره، بتای متغیر دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی برابر $0/111$ است، بتای متغیر گرایش به توسعه اجتماعی برابر $0/228$ ، بتای متغیر گرایش به نوسازی اجتماعی برابر $0/037$ است. این امر حاکی از آن است که بر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده اثرگذار می‌باشند. با توجه به ضریب بتا استاندارد می‌توان نتیجه گرفت متغیر گرایش به توسعه اجتماعی بیشترین اثر را بر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده دارد.

جدول 7. نتایج ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک

سطح معنی‌داری	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای پیش‌بین
		Beta	خطای استاندارد	B	
0/380	1/489		0/330	0/491	ثابت
0/101	1/342	0/111	0/097	0/130	دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی



0/40	2/713	0/228	0/092	0/251	گرایش به توسعه اجتماعی
0/200	0/497	0/037	0/077	0/038	گرایش به نوسازی اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و بحث

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنان در نوسازی بافت فرسوده شهری بوده است. بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت در نوسازی بافت فرسوده می‌تواند در جهت حل معضلات و مشکلات مرتبط با مشارکت در نوسازی محله کارساز باشد. در این راستا برای رسیدن به تئوری‌های پشتیبان تلاش شد به اجمال تعدادی از آن‌ها در اینجا مورد بازشناسی و تحلیل قرار گیرد. در اینجا، با استفاده از مداخله نوگرایانه و مردم‌گرایانه به رویکرد شهرسازی پرداخته شد که حق مسلم ساکنین محدوده‌های بافت فرسوده آگاهی از مشکلات و معضلات سطح محله‌یشان می‌باشد و آن‌ها باید در تصمیم‌گیری‌های سطح محله دخیل باشند و از نگاه مداخله نوگرایانه افراد باید از نوآوری استقبال کنند؛ همان‌طور که هیچ‌کس معتقد است افراد باید بعد عینی و ذهنی تغییر و نوآوری را در خود ایجاد کنند. در رویکرد جامعه‌شناسانه به نوگرایی و نوسازی در تعریف انسان نو اولین عنصر، آمادگی او برای تجربیات تازه و توانایی او برای تغییر است. بنابراین، سخن بر سر یک حالت ذهنی، یک وضعیت روانی، یک آمادگی درونی است.

دومین معیار در این مجموعه بهم پیوسته ما را به زمینه عقاید می‌کشاند. به باور اسمیت، انسان مدرن آگاهی بیشتری از تنوع و ایستارها و عقاید در اطراف خود دارد و خود را اسیر این اعتقاد نمی‌سازد که همه افکار و معتقدات مشابهی دارند، و این افکار و معتقدات مشابه افکار و عقاید اوست. وی بر این باور است که ذهن انسان مدرن بیشتر متوجه زمان حال و آینده است تا گذشته و در انجام امور و کار و تصمیم‌گیرها دقیق و منظم می‌باشد. نگرش‌ها و دیدگاه‌های افراد که حاصل جامعه‌پذیری، رویدادهای گوناگون، تجربه شخصی - عمومی، ساختار اجتماعی - فرهنگی، گذشت زمان و ... است، به مثابه رسوبی که در لایه‌های درونی

احساس و افکار ساکنان محله ماندگار شده تغییر آن‌ها به زمان طولانی نیاز دارد. لازم به یاد یادآوری است که علاوه بر نگرش، نقش پایگاه اجتماعی و اقتصادی در بازتولید فرآیند بافت فرسوده شهری نقش کلیدی دارد. طبق یافته‌های پژوهش، معنی‌داری رابطه میان میزان نوگرایی اجتماعی با میزان گرایش شهروندان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده با ضریب $0/488$ درصد، نشان از میزان گرایش افراد برای نوسازی است و با توجه به این که میزان میل به تغییرپذیری، پیشرفت و استقبال از نوگرایی در بین ساکنین محدوده مورد نظر مورد سنجش قرار گرفت، با ضریب $0/266$ نوسازی، افراد گرایش به این دارند که آمادگی تغییر را داشته باشند چون آن‌ها خواستار منظره زیبایی از محله‌یشان هستند، با توجه به این که بیشترین ساکنان بافت فرسوده مالک هستند ترس از تغییر و دگرگونی در آنها وجود ندارد. همانطور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نوگرایی اجتماعی، توسعه و نوسازی اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌دار با میزان مشارکت ساکنین محله برای مشارکت در نوسازی دارد.

باتوجه به ادبیات تحقیق در نظریات نوگرایانه جامعه‌شناسی نظر می‌رسد ساکنین محدوده مورد پژوهش تعلق و گرایش آشکاری به سنت‌ها دارند و گذشته برایشان مهم است و افراد با حفظ ارزش‌های سنتی خواهان پیشرفت و مدرن شدن هستند، باور براین است که ابتدا باید نظام شخصیتی و هویتی ارزش‌های نوگرایانه را بپذیرند. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر نهادهای رسمی برای بهتر کردن اوضاع بافت فرسوده آنها را کمک کنند، افراد می‌توانند در برابر تغییر منعطف شوند. در این پژوهش این موضوع نیز، به صورت کمی (پیمایش میدانی - پرسشنامه) مورد اکتشاف قرار گرفت. مجموعه عوامل بررسی شده در زمینه نوگرایی اجتماعی در محلات منطقه 18 حاکی از آن است که مردم با توجه به حفظ ارزش‌های سنتی خود، در برابر تغییر منعطف هستند. شاید علت این که هم چنان شاهد بلوک‌های بافت فرسوده در محلات این منطقه هستیم، عدم اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم توسط ارگان‌های مانند شهرداری و سازمان نوسازی است که انگیزه مشارکت را از ساکنین سلب می‌کند. زیرا، ساکنین گرایش به مشارکت رسمی دارند اما، از برنامه‌های شهرداری و سازمان نوسازی اطلاع ندارند.



ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
 مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
 تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
 تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

References

- Alavi Tabar, A. R. (2001) Study of citizens' participation pattern in city administration Tehran (Vol 1). Municipal Organization of the country. (in persian)
- Azkia, M. & Ghafari, G. (2001), *Sociology of Development*, Tehran: *Neshr kalameh* (in Persian)
- Craib, I. (2015). *Modern Social Theory: From Parsons to Habermas*. translated by Abbas Mokhbar. *Agah*: Tehran (in Persian)
- Ghasemi, V., Vahida, F., Rabbani, R., & Zakeri, Z. (2010). The Effect of Social Class on Attitude towards Modernism in the City of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 21(1), 43-68. (in Persian)
- Hillier, B., and Vaughan, L. (2007). The city as one thing. *Progress and planning*, 67 (3), 205-230
- Hillier, B., Hanson, J. (1984). *The social logic of space*. New York, Cambridge university press.
- Jabari, H. (1997). A sociological approach to the displacement of people in the improvement and renovation of urban structures. *Proceedings of the Specialized Conference on Urban Structures*, Publications of the Ministry of Housing and Urban Development, pp: 149-160 (in Persian)
- Jahanbaglou, R. (2001). *Difference and Tolerance*. Center Publishing, Tehran (in Persian)
- Kozer, L. (2004). *Lives and Thoughts of Great Sociologists*. Translated by Mohsen solasi. 11th edition. tehran: elmy. [In Persian]



- Mirzakwam, R. (1388) Dissertation on the study of social causes of sustainability (physical) in worn-out urban contexts, a case study of Khazaei Bukharai neighborhood, Tehran, 2018. (in Persian)
- Mousavi, Y. (2018). Survey of urban policies of neighborhood-type social development, National Conference on New Ideas in Urban Management with Emphasis on Sustained Income Approach. December 2018, Tehran: Center for Studies and Planning. (in Persian)
- Mousavi, Y. (2009). Uran neighborhood regeneration based on community development planning framework. *Iranian Journal of Social Studies*, 2(2 (4): (special issue on urban and neighborhood)), 99-123. (in Persian)
- Mousavi, Y., Ghasemi, M., & Mostafavi, A. (2018). The Study of Social and Cultural Effective Factors Slowing Down the Process of Urban Regeneration and Renewal (Case-Study: Region 12 of Tehran). *Iranian Journal of Anthropological Research*, 7(2), 71-92. doi: 10.22059/ijar.2018.69471 (in Persian)
- Morowati, N. & Latifi, Gh. (2012). A study of social factors affecting the desire of inhabitant's ants in worn textures for reconstruction: acase stud of Imamzadeh Abdollah district in Tehran. *social development and welfare plannig*, 4 (10), 187- 226. (in Persian)
- Shafaie, S., & Sharan Consulting Company. (2005). "Guideline for diagnosis and intervention in worn-out structures", approved by the High Council of Urban Planning and Architecture, Tehran, *Ministry of Housing and Urban Development*. (in Persian)
- Sajjadi, J., Monshizadeh, R., & Habibi, B. (2012). A Socio-Spatial Analysis of Deteriorated Urban fabrics. *Soffeh*, 21(3), 175-190. (in Persian)
- Shamai, A., & Pourahmad, A. (2004). An analytical review of urban renovation & improvement policies & programs in the national development plans. *Geographical Research Quarterly*, 36(49), 181-202. (in Persian)
- Tomlnson, J. (1999). *Globalization and culture*. Cambridge. Policy.

COPYRIGHTS

This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

